

محمومين و منفقورين

درگاه خداوند

با مقدمه حضرت آيت الله سيد عبدالجواد علم الهدى

نصراله قلعه قوند

سرشناسه	۱ نصرالله قلعه قوند ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور	: محبوبین و منفورین درگاه خداوند / نصرالله قلعه قوند ، با همکاری و مشارکت شرکت پیشنازان فن آور سعید.
مشخصات نشر	: تهران: نقش اندیشه. شرکت پیشنازان فن آور سعید، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص رقی
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۰۱۸۳-۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه : ص ۲۴۱
موضوع	: بندگی (اسلام)
موضوع	: مؤلفان
نشانه افزوده	: شرکت پیشنازان فن آور سعید
رده بندی کنگره	: ۳۳۹۲ م ۸ / ۲ / ۲۲۲۵ Bp
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۴۹۰۶۵



انتشارات نقش اندیشه

(با همکاری و مشارکت شرکت پیشنازان فن آور سعید)

نام کتاب	: محبوبین و منفورین درگاه خداوند
نویسنده	: نصرالله قلعه قوند
مردود چینی و صفحه آرای	: دفتر سعید / افسانه شاه کرم
طراحی جلد	: دفتر سعید / نسرين خيري
چاپ و صحافی	: بهرامی
قطع و صفحه	: رقی / ۲۴۸ ص
تیراژ	: ۱۰۰۰
نوبت چاپ	: اول
تاریخ انتشار	: ۱۳۹۲
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۱۸۳-۲-۴
آدرس انتشارات	: صندوق پستی ۳۴۶ / ۱۳۱۶۵ تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۹۵۰۵۹۰
پست الکترونیکی	: info@naghshcandished.com

قیمت ۹۰۰۰ تومان

کلیه ی حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۱	مقدمه
۱۹	مقدمه استاد حضرت آیت الله سید عبدالجواد علم الهدی
فصل اول: محبوبین درگاه خداوند	
۲۳	خلاصه موضوع
۲۴	بررسی واژه حُب
۲۵	انقسام محبت
۲۷	اوصاف محبوبین درگاه خداوند
۲۷	۱) پیروان پیامبر اکرم محبوب خداوند
۲۸	پیروی از حبیب خدا
۲۹	رابطه محبت با معرفت و اطاعت
۲۹	اطاعت از خداوند و بغض علی با هم جمع نمی شوند
۳۱	ثمره پیروی از پیامبر «صلی الله علیه و آله»
۳۱	پاداش محبت و تبعیت
۳۲	مطیع پیامبر صاحب نعمت الهی
۳۳	حُب پیامبر و اهل بیت در روایات معصومین
۴۱	۲) توبه کنندگان محبوب خداوند
۴۱	توبه در قرآن
۴۳	عفو الهی از نقص توبه
۴۳	تفاوت درجه توآب با تائب
۴۴	مقام و منزلت توبه کنندگان در کلام معصومین
۴۶	۳) نیکوکاران محبوب خداوند
۴۶	خداوند با نیکوکاران است

اهل بیت و شیعیان، نیکوکارانند.....	۴۷
نیکی و نیکوکاری در کلام معصومین.....	۴۷
۴) صابرین محبوب خداوند.....	۵۲
خداوند کمک صابران است.....	۵۲
درود و رحمت الهی بر صابران.....	۵۳
شکیبایی و صبر عامل جلوگیری از خسران.....	۵۳
صبر و شکیبایی در کلام معصومین.....	۵۴
۵) توکل کنندگان محبوب خداوند.....	۶۱
اگر مؤمن هستید به خدا توکل کنید.....	۶۲
توکل به خداوند نیرویی مضاعف و سببی شکستناپذیر.....	۶۳
توکل در کلام معصومین.....	۶۴
۶) عدالت پیشگان محبوب خداوند.....	۷۳
گفتاری پیرامون معنای عدالت.....	۷۴
عدالت و عادل در کلام معصومین.....	۷۹
۷) مجاهدان فی سبیل الله محبوب خداوند.....	۸۵
مجاهدان، منتخبین خدا.....	۸۵
محبوبین میرا از رذائل و متصف به فضائل.....	۸۶
برتری مجاهدان به خاطر جهادشان.....	۸۷
مجاهدان در کلام معصومین.....	۸۹
۸) پاکان محبوب خداوند.....	۹۵
طهارت ظاهری و باطنی در قرآن.....	۹۶
۹) متقین محبوب خداوند.....	۹۸
حقیقت تقوا.....	۹۸
متقین چه کسانی هستند؟.....	۹۹
تقوی، تنها کرامت و امتیاز حقیقی.....	۱۰۰
گروه‌گشایی، برکات و نصرت الهی برای متقین.....	۱۰۳
تقوا و متقین در کلام معصومین.....	۱۰۴

فصل دوم: منفورین درگاه خداوند

مقدمه	۱۱۷
خداوند چه کسانی را دوست ندارد؟	۱۱۷
خلاصه موضوع	۱۱۷
۱) کافران محبوب خداوند نیستند	۱۲۰
عدم محبوبیت نزد خدا، خسران بزرگ	۱۲۱
کافر چه کسی است؟	۱۲۱
کفار به چند دسته تقسیم می‌شوند؟	۱۲۲
مؤمن همانند دریایی شیرین و کافر دریایی شور	۱۲۳
کفر و کفار از منظر معصومین	۱۲۵
۲) انسان ناسپاس گناهکار محبوب خدا نیست	۱۳۳
تبیین واژه‌های «کفار و ائیم»	۱۳۳
چرا رباخوار ناسپاس و منفور خداست؟	۱۳۴
زیانهای رباخواری	۱۳۵
رباخواری مصداق اثم کفران نعمت	۱۳۷
مذمت کفران نعمت و رباخواری از منظر معصومین	۱۳۹
۳) خیانت‌کار کفر پیشه محبوب خدا نیست	۱۴۴
بررسی واژه‌های «خوآن» و «کفور»	۱۴۴
نظر سیوطی در تفسیر جلالین	۱۴۴
۴) خائنین محبوب خداوند نیستند	۱۴۶
خیانت چیست؟ و امانت کدام است؟	۱۴۶
خائن همانند منافق	۱۴۷
خیانت و خیانتکار از منظر معصومین	۱۴۸
۵) انسان خیانتکار و گناهکار محبوب خدا نیست	۱۵۲
واژه ائیم	۱۵۳
گناه عامل ذلت آدمی	۱۵۴
شباهت مستی شراب با مستی نگاه	۱۵۵
گناه و گناهکار از منظر معصومین	۱۵۵
۶) ظالمان محبوب خداوند نیستند	۱۸۲
تبیین واژه «ظلم»	۱۸۲

ظالمان رستگار نخواهند شد	۱۸۳
ظلم و ظالم از منظر معصومین	۱۸۳
۷) خداوند فساد و تباهی را دوست ندارد	۱۹۱
بررسی واژه «فساد»	۱۹۱
۸) مفسدان و تبهکاران محبوب خداوند نیستند	۲۰۱
۹) تجاوزکنندگان به حق دیگران محبوب خداوند نیستند	۲۰۶
بررسی واژه «معتدین»	۲۰۶
اعتدال و میانه‌روی ممدوح است اما اعتدا، و تعدی مذموم	۲۰۷
۱۰) اسراف‌کاران محبوب خدا نیستند	۲۰۹
بررسی واژه «اسراف»	۲۰۹
فرق اسراف و تبذیر	۲۱۰
چگونگی رابطه اسراف و فساد در زمین	۲۱۱
اسراف و اسراف‌کنندگان از منظر معصومین	۲۱۲
۱۱) متکبران و مستکبران محبوب خداوند نیستند	۲۱۵
بررسی واژه «مستکبر»	۲۱۵
تحلیل معنای استکبار	۲۱۵
تکبر زمینه بسیاری از گناهان و ابلیس مصداقی برای آن	۲۱۷
تکبر و غرور عبادات هزاران ساله را از بین می‌برد	۲۱۸
مقاومت در برابر کبر	۲۲۰
تکبر و استکبار از منظر معصومین	۲۲۱
۱۲) مردم متکبر و خودپسند محبوب خدا نیستند	۲۲۸
بررسی واژه «مُختال و فُخور»	۲۲۸
سرچشمه تفاخر و تکبر	۲۲۹
سخن شیخ بهایی در خصوص تفاخر	۲۳۰
فخرفروشی از اوصاف شیطان است	۲۳۲
فخرفروشی و تفاخر از منظر معصومین	۲۳۳
۱۳) شادی‌کنندگان مغرور محبوب خدا نیستند	۲۳۶
بررسی واژه «فرحین»	۲۳۶
سرمستان در شادی و غرور ناشی از ثروت و قدرت	۲۳۷
مذمت سرخوشی و شادی بی‌جا از منظر معصومین	۲۳۷
فهرست منابع	۲۴۱

مقدمه:

وقتی انسان به خداوند معرفت پیدا کرد و او را شناخت، آنچه مرضی او است انجام می‌دهد و خود را به اوصافی متصف خواهد نمود که مورد رضایتش باشد.

عبادات انسان را آماده‌ی وصل به معشوق می‌نماید، اگرچه نفس عبادات قربانگاه هر بنده‌ی عاشقی است، «الصلوة قربانُ كلِّ تقی»^۱.

رکن اساسی این است که انسان چیزی جز حق را دوست نداشته باشد، در این صورت نگران نیست، چون چیزی که از دست‌رفتنی است مورد علاقه‌ی او نبوده و چیزی هم که مورد علاقه‌ی او است از دست‌رفتنی نیست، از این‌رو نه غمی به سراغ عارف می‌آید و نه اندهی او را فرا می‌گیرد.

انسان گاهی از گذشته غمگین و از آینده هراسناک است. اگر کسی از گذشته و آینده نجات پیدا کرد، دیگر سخن از ماضی و مستقبل نیست، از زمان بالاتر آمده و روی گذشته و آینده پا گذاشته است، چیزی را قبلاً از دست نداده تا اندوهگین باشد و چیزی را بعداً از دست نمی‌دهد تا هم‌اکنون ترسناک باشد.

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۶۴

به تعبیر بوعلی سینا عارف، فرحان است:

«العارفُ هَشٌّ بِشٍّ بَسَّامٌ يَجَلُّ الصَّغِيرَ مِنْ تَوَاضَعِهِ كَمَا يَجَلُّ الْكَبِيرَ وَ
يَنْبَسِطُ مِنَ الْخَامِلِ مِثْلَ مَا يَنْبَسِطُ مِنَ النَّبِيهِ وَ كَيْفَ لَا يَهْشُ وَ هُوَ فَرْحَانٌ بِالْحَقِّ
وَ بِكُلِّ شَيْءٍ فَائِئَةً يَرِي فِيهِ الْحَقَّ.»^۱

عارف، گشاده‌رو، بشاش و متبسم است، کوچک و بزرگ از
فروتنی او بهره‌مند می‌شوند، او هم از دیدار همگان شادمان است،
چرا چنین نباشد که او همه‌ی هستی را تجلی حق می‌بیند.^۲

خدا آرزوی افراد مشتاق

خداوند آرزوی افراد بالاشتیاق است، «مَحِيتُک یا أَمَلُ الْمُشْتَاقِينَ» شوق
آن است که انسان را به سوی خدا بکشاند، نه اینکه هدف بهشت
باشد. «أَمَلُ» آرزویی است که انسان را بی‌تاب کرده، به تب و تاب
وادار کند، انسان گاهی امیدوار است و گاهی آرزومند، شوقی که
متعلقش باطل باشد، شوق کاذب است، شوق صادق آن است که
تنها متوجه خدای سبحان باشد. به طوری که ابتدا خدا مورد
اشتیاق و سپس مورد عشق عاشق قرار گیرد.

فرق شوق و عشق این است که «شایق» به کسی می‌گویند که
ندارد و می‌طلبد، ولی «عاشق» به کسی گویند که رسیده و آن را
نگه می‌دارد.^۳

۱. اشارات و تنبیها، ج ۳، ص ۳۹۱

۲. حکمت عبادات، ص ۳۷

۳. مفاتیح‌الجنان، دعای روز نهم ماه مبارک رمضان

رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» فرمود: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّعَ لَهَا، فَهُوَ لَا يَبَالِي عَلَيَّ مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَيَّ عَسِرٍ أَمْ عَلَيَّ يَسِرٍ».^۱

ترجمه: بهترین مردم کسی است که عبادت را معشوق خود بداند، با عبادت معانقه کند و آن را با تمام وجود لمس نماید و خود را برای آن فارغ سازد، آنگاه نگران نخواهد بود که دنیا برای او به سختی بگذرد یا به آسانی.^۲

مُحِبِّينَ خَدَاوْنَده را می خواهند

آن سان که بنده به مقام محبّ رسید، به دنبال حفظ و تضاعف این محبت و عشق است، بنابراین همیشه از خداوند، خدا و محبتش را طلب می کند: «... أَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يَحُبُّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَيْكَ قَرِيبًا».^۳

ترجمه: خدایا من از تو محبتت را و محبت کسی که تو را دوست دارد و محبت هر چیزی که مرا به تو نزدیک می کند، می خواهم. حبّ خداوند طوری است که اگر روزی کسی شود، دیگر محبوبی به غیر از خداوند او را مجذوب خود نخواهد کرد، زیبایی حضرت حق اتمّ و اکمل است، کسی که زیبایی مطلق را دید، همه چیز برای او افول کرده و خاموش خواهد شد. «إلهي مَنْ

۱. کافی، ج ۲، ص ۸۳

۲. حکمت عبادات، ص ۳۸

۳. مفاتیح الجنان، مناجات محبین

ذَٰلِذِی ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَ مَنْ ذَٰلِذِی اَنَسَ بِقُرْبِكَ
فَاتَّبَعِي عَنْكَ حَوْلًا»^۱

ترجمه: خدایا کیست که طعم شیرینی دوستی با تو را چشیده
باشد، و غیر تو را به جای تو اختیار کند، و کیست که به مقام قرب
(و دوستی) تو انس یافته باشد و لحظه‌ای از تو روی گردانیده؟

ارزش قلب انسان

ارزش قلب انسان به آن چیزی است که در آن حلول می‌کند، اگر در
قلب انسان خداوند جای داشته باشد، این قلب حرم‌الله است و
دیگری در آن جای ندارد، اما اگر، محلّ اسکان اغیار باشد، خدا در
آن نیست، پس ارزش آن به همان اغیار است.

اولیاء الهی قلبشان ظرف محبت خداست و غیردوست (به
هیچ وجه) در آن راهی ندارد، هم شدیداً آن را حفاظت می‌کنند و
هم آن را از دوستی خدا پر می‌کنند.

حضرت علی «علیه السلام» در دعای شریف کمیل می‌فرماید:

«... وَأَجْعَلْ لِّسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمًّا...»^۲

ترجمه: خدایا زبانم را به ذکر خود گویا کن و دلم را (پیوسته)
به دوستیت شیدا و بی‌قرار گردان.

خدا مُحِبُّ عاشقِ خود

وقتی بنده به مقام اطمینان رسید و قلبش با نام خدا آرامش یافت

۱. همان

۲. همان، دعای کمیل

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) ^۱، زبان، گوش، دست، پا و چشمش تجلی اوامر حضرت دوست گشت، در این مرحله است که خداوند محباً بنده خود می‌شود، و عارف و سالک، محبوب درگاه علیّ اعلیٰ قرار می‌گیرد.

خداوند متعال به داود وحی کرد، ای داود! به بندگان زمینی من بگو: من دوست کسی هستم که مرا دوست بدارد و هم‌نشین کسی هستم که با من هم‌نشینی کند و همدم کسی هستم که با یاد و نام من انس گیرد و همراه کسی هستم که با من همراه شود، کسی را برمی‌گزینم که مرا برگزیند و فرمانبر کسی هستم که گوش به فرمان من باشد. کسی نیست که مرا قلباً دوست بدارد و من بدان یقین داشته باشم مگر آن که او را برای خود بپذیرم، و چنان دوستش بدارم که هیچ یک از بندگانم بر او پیشی نگیرد. ^۲

خلیفه‌ی خداوند محبوب اوست، زیرا که او برای خدا می‌بیند، به اسم خدا می‌شنود و به نام او حرکت می‌کند.

کسی که تجلی اسما، و اوصاف الهی است، محبوب خداست، بنده‌ی عارف، تسلیم خدا و مورد حُبّ حضرت حق است.

حُبّ رابطه‌ای است وجودی (و هستی روابط وجودی، خارج از وجود موضوعات خود و تنزلات آن نیست) بنابراین، نتیجه می‌گیریم که هر چیزی ذات خود را دوست می‌دارد، و چون هر مُحَبِّی همه‌ی متعلقات محبوب خود را نیز دوست می‌دارد،

۱. رعد، ۲۸.

۲. مسکن الفواد، ص ۲۷.

درنتیجه هر چیزی آثار وجودیش را هم دوست دارد، از اینجا معلوم می‌شود که خدای سبحان بدین جهت که خود را دوست می‌دارد، خلق خود را هم دوست دارد و اگر خلق خود را دوست می‌دارد، بدین جهت است که انعام او را می‌پذیرد و باز اگر خلق خود را دوست می‌دارد، بدان جهت است که هدایت او را می‌پذیرد.^۱

قلب شایسته

باید قلب را به مقام شایستگی معاشقه با خداوند رساند، اگر قلب آدمی به این شایستگی نایل آید، حضرت دوست به او عشق می‌ورزد.

رسول مکرم اسلام حضرت محمد «صلی‌الله علیه و آله» می‌فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ^۲، (کسی که قلب صالح و شایسته داشته باشد خداوند به او عشق می‌ورزد).

باید کاری کرد تا قلب تجلی بیت‌اللهی کند، زیرا همانگونه که هیچ ناپاکی حق ورود به بیت‌الله را ندارد، حق دخول به قلب سالک را نیز ندارد، چراکه قلب عاشق حرمت و حریم دارد.

راز رسیدن به این مرحله ممارست بر دوستی با خداوند و اخلاص در عمل است. اگر سالک خالصانه حب خداوند را کسب کند، جذبه حب‌اللهی، اغیار را به آتش خواهد کشید و هیچ کسی در خلوتگه یار به جز عاشق و معشوق باقی نخواهد ماند، کما اینکه حضرت علی «علیه‌السلام» آن آئینه اتم و اکمل خدانما، چنین

۱. ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۶۲۱

۲. نهج‌القصاحه، ص ۲۳۱

می‌فرماید: حُبَّ اللَّهِ نَارٌ لَا يَمُرُّ عَلَيْهَا شَيْءٌ إِلَّا احْتَرَقَ^۱، (محبت خداوند همانند آتش است بر هر چه بگذرد آن را به آتش می‌کشد).
وقتی بنده به این منزلگاه رسید مورد عشق خدا قرار گرفته و به غیر از زمزمه نام او، چیز دیگری او را آرام و شاد نکرده و دنیا را میراث برای وارثان خواهد گذاشت.

www.ketab.ir